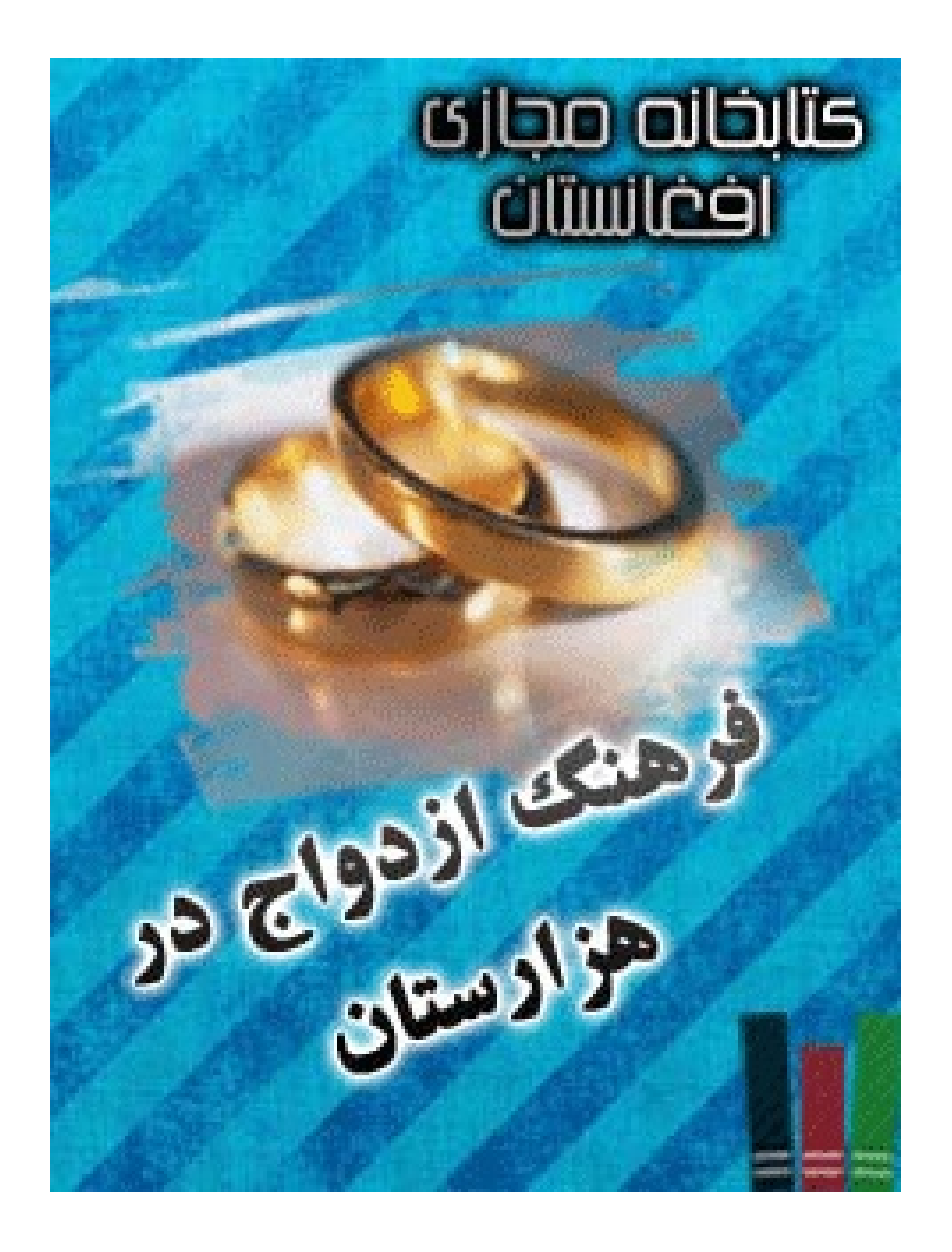

کتابخانه مجازی
افغانستان
فرهنگ ازدواج در
هزارستان


بسم الله الرحمن الرحیم

# فرهنگ ازدواج در هزارستان

نویسنده:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر چاپی:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# فرهنگ ازدواج در هزارستان

## مشخصات کتاب

سرشناسه:کتابخانه مجازی افغانستان ،۱۳۹۲

عنوان و نام پدیدآور:فرهنگ ازدواج در هزارستان/ دکتر حفیظ الله شریعتی.

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: خانواده

## آداب ازدواج و خواستگاری

اوال آمد بیو بیری اورده / کمر باریک از جاغوری اورده

کمر باریک کمر شی تال وری یه / چیمای شی گرگ قد مال وری یه

مراسم ازدواج در هزارستان آداب و رسوم متنوع و خاصی دارد. به‌طوری که هنوز گذر از آن سخت می نماید. مراسم ازدواج باید بر طبق اصول ویژه ای برگزار شود. این مراسم در هزارستان دارای مراحل گوناگون است که به برخی از آن ها اشاره می شود. خواستگاری، نامزدی و شیرینی‌خوری، میهمانی، خانه بلتی، تهیه جهیزیه و انجام خرید عروسی، جهازبران، پهن کردن سفره عقد و پخش شیرینی، خواندن خطبه عقد، خینه کدو- حنابندان، جشن عروسی، پایوازی- پاگشا از جمله ی این مراحل گوناگون اند. البته نباید رسم های نسل جدیدتر را مثل تهیه کیک عروسی، فیلمبرداری، تزیین ماشین عروس و رفتن به ماه عسل را از یاد برد که در گذشته رواج نداشته است.

شکل گیری پیوند زناشویی در هزارستان دارای مراحل و آداب خاصّی به قرار زیر است که امروزه تنها برخی از آن ها بر جای مانده است.

## مراسم خواستگاری

مراسم خواستگاری نخست از همسرگزینی آغاز می شود. برای همسرگزیدن، در گذشته پدر و مادر برای پسر خود دختری را انتخاب می کردند، سپس با بزرگان به شور می نشستند. وقتی نظر فامیل های دور و نزدیک را جلب می کردند، دختر را به پسر معرفی می کردند. اغلب بدون مخالفت پسر، وارد مرحله ی خواستگاری می شدند، پسرها کمتر می توانستند اعتراضی به این گزینه ها داشته باشند. دختران کمتر سهمی در انتخاب همسر داشتند. پسران البته بستگی به خانواده آن ها داشت. خانواده های عصری و نو به خواست پسران شان احترام می گذاشتند اما خانواده های سنتی خود تصمیم گیر واقعی بودند. عشق بیشتر درونی بود و سرچشمه یی و در ازدواج نقشی زیادی نداشت. ازدواج عاشقانه کمتر اتفاق می افتاد و بیشتر ازدواج ها رسمی و از طرف خانواده ها به فرجام می رسید. عشق ها سوزان بودند و بیشتر در آغاز خفه می شدند. کسی جریت نمی کرد عریان بیان عشق کند. اظهار عشق تبدیل به داستان های عاشقانه، دوبیتی و ترانه می شد. ازدواج ها بسیار رسمی و خانوادگی بود. انتخاب همسر و(دختر زیر چشم) کردن به عهده ی زنان بود. وقتی در محفل های عروسی و خانوادگی دختری زیر چشم می شد، به زودی مراسم خواستگاری صورت می

گرفت. انتخاب به سختی امروز نبود. خانواده ها انساب شناس بودند و تبارهای قومی را به خوبی می شناختند. معیار اصلی در همسر گزینی تبار نیک خانوادگی بود. اگر چند به صورت و سیرت نیز اهمیت زیادی قایل بودند. وقتی دختری برگزیده می شد، نخست مادر و یا یکی از زنان فامیل به دیدار خانواده ی دختر می رفتند. وقتی موافقت خانواده ی دختر را می گرفتند، خانواده ی پسر برای خواستگاری دختر می رفت. معمولاً خواستگاری توسط ریش سفید و یا بزرگ خانواده پدر یا مادر داماد انجام می شد. در پایان خواستگاری، پدر دختر جهت فکر کردن و مشورت مهلت می طلبید. در این زمان خانواده دختر فرصت فکر کردن می یافتند و به شور می نشستند. و بعد جواب نهایی را می دادند.البته در گذشته ازدواج بیشتر اجباری و درون خانوادگی بود، ولی امروزه جوانان خود همسر آینده ی خود را انتخاب می کنند و بعد خواستگاری انجام می شود.

اگر داماد مورد قبول واقع نشود، خانواده ی دختر به بهانه این که دختر را برای فامیل یا پسرعمو انتخاب کرده اند، جواب منفی می دهند. اما امروزه انتخاب پسر و دختر از ارکان مهم همسرگزینی است که آنان باید خود شریک زندگی شان را انتخاب کنند. وقتی پسری شریک زندگی اش را انتخاب کرد، برای مراسم خواستگاری؛ مادر با مشورت پدر به خواستگاری دختر می رود و چنانچه رضایت خانواده ی دختر را جلب کنند، پدر و مادر پسر با نزدیکان و اقوام به خواستگاری جدی می روند و به همراه خویش چادر، پیرهن، روسری، مقداری قند و انگشتر می برند.

در برخی مناطق مادر و چند تن از خانم های خانواده ی داماد به دیدن دختر می روند. اگر پسندیدند در جلسه بعد داماد را با خود می برند. چنانچه داماد هم دختر را پسندید، مادر او هدیه ای را که به آن نشانه می گویند، به خانواده ی دختر می دهد. اگر داماد پزیرفته نشد در چنین حالتی باور مردمی ناف بریدن پسر و دختر برای یکدیگر در کودکی و لاته(چادر) انداختن روی گهواره دختر، الزام ازدواج پسرعمو و دخترعمو که عقد آنان را گویا در آسمان ها بسته اند را خانوده ی دختر پیش می کشند.

در برخی مناطق رسم بر این است که زنان فامیل دختری را برای پسر انتخاب می‌کنند و چندین بار به خانه دختر رفت و آمد می‌کنند تا حرکات و رفتار او را در برخورد با مهمان و خانواده اش مورد ارزیابی قرار دهند. پس از آن نوبت به آمد و شد ریش سفیدان می رسد و در فرجام به خواستگاری رسمی تبدیل می شود. ازدواج های فامیلی به ویژه در روستاها که خانواده ها در ارتباط نزدیک تر و بیشتری هستند رایج است و ازدواج فرزندان عمه ها، عموها، ماماها- دایی ها و خاله ها مرسوم تر است.

## ناف بریدن دختر برای پسر

این مراسم در دوران نوزادی صورت می گرفت. به این صورت که در جریان همسرگزینی با به دنیا آمدن نوزاد دختر، ناف او را به نام پسر مورد نظر می بریدند و در عرف محلی می گفتند: ناف این دختر برای فلان پسر بریده شد. بر این اساس در آینده بایستی با هم ازدواج می کردند. مردم محل نیز با دانستن این موضوع، هنگامی که دختر به سن ازدواج می رسید، به خواستگاری او نمی رفتند و در فرجام پسر و دختر نشانی شده با هم ازدواج می کردند.

## دستمال فرستادن

این مراسم بیشتر توسط مادران انجام می گرفت. در این رسم خانواده پسر دستمالی را نزد خانواده ای که نوزاد دختر به دنیا آورده اند؛ می بردند تا او را برای پسرشان نشان کنند. اگر این مراسم با خوشی پایان می یافت و مقبول دو طرف واقع می شد، در جوانی پسر و دختر نشان شده با هم ازدواج می کردند.

## چادر انداختن روی گهواره دختر

وقتی در خانه ای یکی دختر می شد. یکی از دوستان و رفیقان پدر دختر که پسر داشت، ضمن تبریک گفتن نوزاد، چادری را روی گهواره ی او می انداخت و به این صورت او را نشان می کرد. وقتی این پیوند دوستانه مقبول می افتاد آنان در جوانی با هم ازدواج می کردند. البته همیشه فرجام این گونه مراسم ها ازدواج نبود. بسیار دیده شده است که وقتی دختر و پسر بزرگ شدند، همدیگر را نپسندیدند. در نتیجه ازدواج هم اتفاق نیفتاد.

## دختر عذر

رسم دختر عذر دادن سال ها است که در بین هزاره ها بر افتاده است. در گذشته وقتی میان دو طایفه قتل صورت می گرفت، برای پایان دادن به قتل دیگر و کشتار بیشتر دختری را از خانواده ی قاتل به خانواده ی مقتول به زنی می دادند. این پیوند ازدواج به نزاع دو طایفه پایان می داد و از کشتار و قتل دیگری جلوگیری می کرد. اما از آن جایی که در بیشتر موارد از طرف خانواده ی مقتول با دختر عذر بد رفتاری می شد، مردم به این رسم پایان دادند. دیگر سال هاست به خاطر احترام به زنان، اختیاری شدن ازدواج و تغیرات ساختاری در جامعه ی هزاره این رسم بر افتاده است و ممنوع اعلان شده است.

## گله یا شیربها

گله یا شیربها مرحله پس از خواستگاری است. چند نفر از افراد ریش سفید خانواده ی داماد پیش پدر دختر می روند و بدین ترتیب شرایط نهایی طرفین مطرح می شود. در این نشست مقدار شیربها، لباس، چادر(لاته پیرو)، پیرهن تعیین می گردید. در این مراسم داماد حضور ندارد و موضوع بحث این مراسم بیشتر مهریه شیربها و جهیزیه است. خرج عروسی، زیورآلات و جهیزیه نیز معین می شود.

در اکثر روستاهای هزارستان هنوز مبلغی به عنوان حق شیر یا شیربها به مادر عروس می پردازند. شیربها به صورت نقد پرداخت می شود. خانواده دختر مقداری پول به آن اضافه می کنند و کمبود جهیزیه دخترشان را تامین می کنند. یعنی با پولِ نقدی که به عنوان شیربها اخذ می شود برای دختر جهیزیه تهیه می شود. البته این مبلغ معمولاـ صرف هزینه های جهیزیه عروس می شود حتی گفته شده است وقتی در گذشته خانواده عروس بیشتر شیربها می گرفتند، خانواده داماد متقابلا بیشتر انتظار جهیزیه داشتند.

## لاته پیرو(چادر و پیرهن)

رسم است که خانواده عروس به نزدیکانش پیرهن و چادر به رسم احترام هدیه می دهد. این رسم به این سبب است که خانواده درجه یک عروس در دادن جهیزیه به آنان کمک کند. این چادر و پیرهن در روز خواستگاری از طرف پدر عروس به پدر داماد پیشنهاد می شود که پس از تعدیلات در آن، پزیرفته می شود. پدر داماد این هدیه ها را زودتر می فرستد تا خانواده عروس در فکر جهیزیه باشند.

## خرید شیرینی خوری

پس از توافق هایی در جلسه خواستگاری، تاریخی نیز برای شیرینی خوری و عقد تعیین می شود. پدر و مادر دختر و پسر(معمولا

مادر عروس و چنـد زن از خانواده دو طرف) به بازار رفته، خرید انگشتری، حلقه، لباس کاملی برای عروس و... لباس محلی(پیراهن، تنبان، چادر، کت، وسکت- جلیقه، کفش، ساعت، انگشتر،لوازم آرایش و...) اکنون کت و شلوار برای پسر را با انتخاب پسر و دختر می خرند و برای روز شیرینی خوری آماده می کنند.

## شیرینی خوری(عقدکنان)

تا مراسم عروسی، مراسم دیگری هم صورت می گیرد که جشن شیرینی خوری نام دارد؛ در این مراسم خانواده ی داماد برای عروس خانم و خانواده او چند دست لباس، چادر و توب(دسته ی) پارچه به عنوان خلعت می آورند. روز شیرینی خوری و عقد کنان، خانواده ی پسر، خوراکی های مانند تکی روغنی، پتیر، بوسراغ و مقداری لباس برای خانواده ی عروس را بر می دارند و با عده ای از فامیل دست اول به خانه عروس می روند. مردان و زنان خانواده ی داماد به صرف شام یا ناهار دعوت می شوند. دعوت شدگان نخست با شیرینی یا بوسراغ و چای پذیرایی می شوند و در پایان به صرف آب گوشت یا پلوی دعوت می شوند. وقتی داماد لباس دامادی اش را پوشید و هدیه هایش را گرفت به خانه ی زنان می رود که در کنار عروس بنشیند و زنان هم داماد را ببینند. در وقت نشستن روی کرسی عروسی باید یکی از دو نفر دیرتر از دیگری بنشیند، این دیر نشستن نوعی شرط بندی و مسابقه گونه است. در این نشست و دیر نشستن اگر عروس توانست با فشار دادن پای داماد، او را به نشستن وا داشت، نشانه آن است که عروس بر سر داماد مسلط خواهد شد. البته داماد در این موارد بیشتر کوتاه می آید. اما در برخی موارد کار حیثیتی می شود و لحظه های چندی به طول می کشد تا یکی بنشیند، گاهی این مسابقه به نزاع دو خانواده تبدیل می شود که با پا در میانی بزرگان به نیکویی پایان می یابد. در شب آن روز، ملا یا آخوند عقد دختر و پسر را می خواند. در شب عقد یا هنگام پوشیدن لباس داماد و عروس، دوستان و بستگان عروس و داماد به دیدن عروس و داماد می روند و هدیه مورد نظر خود را تقدیم می کنند. در برخی مناطق هنگام دریافت هدیه، جمع آوری کننده ی هدایا، نام هدیه دهنده را بلند می گوید و دیگری مبلغ و نام صاحب هدیه را ثبت در لیست خانوادگی منظور می نماید. سپس عمه ها، خاله ها و زن عمو ها؛ خانواده داماد، هر کدام انگشتر، النگو و یا زیور الاتی را به عنوان هدیه به عروس خانم می دهند.

## نکاح- مراسم عقد کنان

مراسم عقدکنان را معمولا در خانه ی عروس انجام می‌دهند و برای انجام این امر اتاقی را در نظر می‌گیرند تا مراسم عقدکنان در آن اجرا شود. قبل از شروع مراسم چند نفر از زنان خوش سلیقه و خوشبخت فامیل، برای تزیین سفره عقد در اتاق مورد نظر حاضر می‌شوند و با ظرافت خاصی اسباب سفره را در سرجای خود می‌چیدند.

اسباب سفره عقد عموما عبارت اند از: قرآن، آیینه، نقل و شیرینی، بوسراغ چند تکه پارچه ی سپید، چند دانه دستمال خامک دوزی، گلابدان، خنچه، اسپند، کاسه‌ای آب که رویش یک برگ سبز باشد و.... به هنگام عقد عروس را مقابل آیینه و رو به قبله می‌نشانند و به هنگامی که عاقد در حال خواندن خطبه عقد است، لازم می‌دانند که عروس خانم حتما در آینه نگاه کند تا بدین ترتیب بختش همچون آیینه صاف و روشن گردد. در موقع خواندن خطبه دو زن سپیدبخت دوطرف عروس می استند و دعا می خوانند. در این هنگام فرد دیگری با یک سوزن و نخ هفت رنگ جلو می آید و تعدادی کوک بر پارچه ی لباس عروس می‌زند.

در برخی مناطق عروس و داماد به همراه چند نفر از خانواده های شان به دفتر عاقد می روند و یا عاقد به منزل آن ها می آید و خطبه عقد را جاری می کند. رفت و آمدهای عروس و داماد پس از عقد، شروع می شود. هر چند که در گذشته گاه تا شب عروسی،

عروس و داماد همدیگر را نمی دیدند ولی این رسم، زیاد پا برجا نبوده است.
اگر سند ازدواج داشته باشند معمولن سند ازدواج(نکاحنامه)را اخند مکتب با توافق رسمی عروس و داماد و پدر و مادر آن ها می نویسد. در سند ازدواج حقوق زن در صورت طلاق یا وفات شوهرتعیین می گردد. سند را ملا و شاهدان و حاضران از هر دو جانب امضا می کنند.

## مهریه

در گذشته مهریه یک جلد کلام خدا و شاخه گل تعیین می شد. در برخی جاها مهریه یک گاو و چند گوسپند بود. در برخی مناطق داماد عروس را در خیرخانه شریک می کرد و این مهریه ی او شمرده می شد. برخی هم نیم خانه را به نام مهریه به خانمش پیش کش می کرد. برخی هم مقدار پول و سکه ی طلا را مهریه می نامید.

## نامزدی و عیدی بردن

در مدت نامزدی، داماد یا خانواده ی پسر در روزهای عید مقداری گوشت، برنج، بوسراغ، شیرینی، لباس کامل(سراپا) برای عروس و پارچه برای خانواده دختر می برد. خانواده ی دختر آن ها را دعوت به صرف شام و یا نهار می کند. در پایان مراسم به داماد و خانواده وی از طرف پدر عروس مانند عروس لباس و هدیه داده می شود. در این مدت دختر و پسر همدیگر را ملاقات می کنند. داماد در خلوت و به طور ویژهحلقه، انگشتری، گردن بند و ساعت و... در حالی که در پارچه سبز پیچانده شده اند به عنوان نشان نامزدی به عروس می دهد.

## لباس بردن

بردن لباس عروس از طرف خانواده ی داماد بیشتر در شب انجام می شود. رنگ لباس عروس سفید و محل حجله گاه، خانه ی داماد است. در بیشتر موارد مراسم عقد و برپایی حجله در خانه ی عروس بر پا می شود.

## دوختن لباس عروس

مراسم بریدن پارچه ی لباس عروس و داماد درون فامیلی انجام می شود. خانواده ی داماد پس از این که لباس های عروس را تهیه کرد، یک روز نیک مانند تولد ائمه اطهار (علیهم السلام) یا شب جمعه را برای بریدن رخت دامادی و عروسی تعیین می کنند. لباس ها را با هلهله و شادی به خانه عروس می برند. بردن لباس ها بیشتر یک ماه پیش از عروسی انجام می شود تا عروس و خانواده اش فرصت کافی برای دوختن آن ها را داشته باشند. خانواده ی عروس وقتی بقچه ی لباس را باز کردند، یکی از نزدیکان داماد لباس ها(رخت)ها را یکی یکی به مهمانان نشان می دهد. مهمانان کف می زنند و آفرین و شاباش می گویند.

## بریدن رخت عروسی و دامادی

بریدن و قیچی زدن لباس عروس را باید یک زن خوشبخت و دولتمند (زن خوش بخت) انجام دهد.
لباس ها را در پتنوس(سینی) چیده و روی آن را پارچه ی سبزی می کشند. زنان پس از دیدن لباس عروس و داماد تبریک می گویند و آن را به خیاط می سپارند تا برای روز شیرینی خوری و عروسی آماده کند. در برخی مناطق خیاط خود زنان اند که جمعی یا تکی لباس عروس و داماد را می دوزند. این روزها لباس عروس و داماد را خیاط های شهری آماده می کنند. در برخی مناطق لباس روز عروسی را اجاره می کنند.

## زیور آلات عروس

زیور روی لباس عروس گلوبند زرین یا اشرفی همراه با دانه های رنگارنگ دکمه و النگو و دستبند نقره یا طلا است. عروس از طلا کمتر استفاده می کند. وسایل زینتی عروس بیشتر از زر(نقره) است.

## پیکی

پیکی دایره ی ماه گون است که عروس آن را روی پیشانه به صورت عمودی می بندند. به این دایره که در اطراف آن منگوله های از زر به صورت های مختلف مانند نقش درخت، بوته ی گیاه و شاخه های گل است، تاویذک(تعویذ کوچک) هم می گویند. تعویذک مانند تعویذ دارای چهارگوش و لوزی مانند است. در هر گوش آن چند تعویذ کوچک دیگر آویزان می شود که هنگام بالا و پایین کردن سر صدای موسیقی دلنشینی می دهد.

## جودانه و طوق

طوق همان گردن بند است که عروس هنگام عروسی آن را به گردن می آویزاند. جودانه آویزه های طوق است که به صورت عمودی برآن گره زده می شود. جودانه یک نیم دایره ی کلان است. در کناره های این دایره چند منگوله و طوق کوچک جا گذاشته می شوند. هر طوق دارای چند دایره و چند طوق کوچک تراست. این طوق های سلسله وار در چند منزل ساخته می شوند که به آن جودانه ی چند منزله می گویند. آخرین منزل و طبقه ی این طوق ها باریک تر است که در راس آن دایره یی کوچک وجود دارد. داخل این دایره پراست. روی این دایره نگین بزرگی به رنگ سرخ(قرمز) جا گذاشته می شود که هنگام تکان خورن نور می دهد.

## بالی و سلسله

بالی همواره با سلسله ی کوچک همراه است. چند منگوله و طوق که به شکل پیکی ساخته می شود. عروس بالی را در نباگوش به صورت عمودی آویزان می کنند. طرف پایین بالی همسان با گوشواره است و بالای آن به کلاه و یا سرغوچ عروس بند می شود. سلسله به صورت افقی روی پیشانه ی عروس کشیده می شود و بالای دو گوش عروس بند می گردد. سلسله دارای آویزه های

زیادی است که در وسط آن پیکی قرار می گیرد.

## تیقی چیغی(حمایل)

تیقی چیغی- حمایل عروس مانند حمایل تفنگ ساخته می شود با این تفاوت که در آن به جای تیر و گلوله سکه های زرین یا اشرفی همراه با دانه های رنگارنگ دکمه جا گذاشته می شود. حمایل مانند کلاه با سوزن به زیبایی تمام دوخته می شود. برخی مناطق هزاره نشین حمایل را با نخ های رنگارنگ روی پارچه می دوزند.

## انگشتر، گوشواره و خال بینی

انگشتر عروس بیشتر از نقره است اگر چند این روزها طلا- جای نقره را گرفته است. زرگران هزاره برای ساختن انگشتر عروس نخست نقره را آب می کنند و سپس در قالب های از پیش ساخته شده می ریزند و از آن انگشتر به اندازه های مختلف می سازند. نگین انگشتر عروس از سنگ های قیمتی داخلی و خارجی درست می شود. مشهور ترین نگین های انگشتر عروس عبارت اند از عقیق، فیروزه، لعل بدخشان، لاجورد، زمرد و مانند آن که به شکل بسیار نیکویی تراشیده و جا گذاشته می شوند.

گوشواره نیز مانند انگشتر از نقره درست می شود، اگر چند امروزه جای آن را طلا گرفته است. گوشواره ها به شکل های مختلف ساخته می شوند که نوع معمول آن لوزی، سه گوش و چهار است.

خال بینی عروس از نقره است. شکل معمول خال بینی ها شکل نقطه ی ریز و دکمه بسیار کوچک اند که از دور خیلی به چشم نمی آیند.

## مهمانی- خانه بلتی

وقتی خانواده ی داماد و عروس تصمیم گرفتند عروسی بگیرند، دو طرف مهمانی ترتیب می دهند که به اصطلاح محلی به آن خانه بلتی می گویند. در مهمانی خانه بلتی نخست پدر عروس، پدر داماد را مهمانی می کند و در پایان نزدیک به زمان عروسی پدر داماد، پدر عروس را دعوت به مهمانی خانه بلتی می کند. در این مراسم زمان و مکان و خرج عروسی تعیین می گردد. پدر عروس با گرفتن هدیه با جمعی از نزدیکانش به مهمانی به خانه ی پدر داماد می رود. در پایان مهمانی پدر داماد به پدر عروس شال، چپن و یا کمبل(پتو) می دهد. به دیگر مهمانان هم به رسم هر منطقه لنگی، چادر و پیرهن دوخته نشده می دهد.

## خرج بردن

یکی از کارهای عروسی در هزارستان فراهم آوردن «خرج » برای تهیه غذای عروسی است. چند روز مانده به عروسی عده‌ای از جوانان با کمک خانواده داماد خرج عروسی را به خانه پدر عروس می برند. معمولاً همه جوانان داوطلب چنین کاری هستند، زیرا می‌دانند که برای عروسی خودشان متقابلاً جوانان دیگر این زحمت را متحمل می‌شوند. هیزم، روغن، گوشت، برنج، آرد، شکر، چای، ادویه، نمک،سیب زمینی-کچالو، پیاز و... برای مراسم عروسی به خانه پدر عروس برده می شود.

مرسوم است چنانچه کسی از اقوام عروس یا داماد فوت شده باشد و از چهلم آنان نیزگذشته باشد، خانواده عروس یا داماد نزد آن ها می رود، برای برگزاری مراسم از آن ها اجازه می گیرد.

## بوسراغ پخته کیدو(شیرینی پزیدن)

برای آماده کردن بقچه ی مادر داماد و سوغاتی، پتیر و بوسراغ قودغو(مادر داماد) چند روز پیش از عروسی و رفتن مادر داماد به خانه پدر عروس، از زنان فامیل دعوت می شود که در مراسم بوسراغ پزی گرد بیایند. آرد بوسراغ که از آرد گندم به اضافه روغن و شکر است از شب پیش آماده می شود. وقتی زنان فامیل آمدند، همه با شور و شوق بسیار آتش می افروزند و بوسراغ ها را آماده می کنند. نان روغنی و پتیر نیز در این روز پخته می شوند. دختران دی دو و دوبیتی می خوانند و زنان کهن سال و میان سال قصه می گویند. برخی از دختران و پسران جوان دمبوره می نوازند و آواز می خوانند.

## قودغو بردو(بردن مادر داماد)

چند روز پیش از عروسی خانواده و نزدیکان داماد به صورت جمعی مادر داماد را برای تدارک و هماهنگی عروسی به خانه پدر عروس می برند. مادر داماد دختر کوچکش را نیز با خود می برد که به وی قودغوچه گفته می شود. مهمانان مقدماتی عروسی از طرف خانواده ی عروس به گرمی استقبال می شوند. در پایان به جز مادر داماد و در برخی مناطق خود داماد دیگران به خانه بر می گردند.

## مهمانی عروس

وقتی زمان عروسی نزدیک شد، خانواده درجه یک عروس، عروس خانم را دعوت به مهمانی خانوادگی می کنند. در این دعوتی عروس ضمن آخرین دیدو بازدید و خدا حافظی با خانواده پدری از طرف خانواده درجه یک، هدیه ی عروسی دریافت می کنند. این هدیه عوض پیرهن و چادر است که پدر عروس به فامیل نزدیکش داده است. این هدیه ها جهیزیه عروس را کامل می کند.

## طوی– دعوت برای جشن عروسی

دعوت از مردم برای شرکت در جشن عروسی توسط خانواده ی عروس و داماد صورت می گیرد. هنگام دعوت، کلان فامیل از یکی که درس خوانده باشد؛ می خواهد که دوستان و خویشان را برای دعوت به جشن عروسی با نامه و یا کارت عروسی فرا بخواند. وقتی نامه و یا کارت دعوتی به دست فراخوانده رسید، وی با ذکر دعای خیر و خوشبختی اعلام آمادگی برای حضور در جشن عروسی را می نماید. در عروسی مهمانان نخست با چایی پذیرایی می‌شوند، بعد با آب گوشت و یا پلو پذیرایی می گردند. وقتی غذا صرف شد، لباس داماد را می آورند. در این شب چند تن از آقایان از خانواده ی عروس سینی های بزرگ تزیین شده ای (توسط خانواده عروس برای داماد و خانواده اش) را برسر می گیرند و با رقص و پای کوبی وارد مجلس داماد می شوند؛ و آن قدر آن ها را در سر می چرخانند تا هدیه ای را از پدر، برادر، فامیل نزدیک و مادر داماد نگرفته و سینی ها را بر زمین نمی گذارند. در

داخل یکی از سینی ها لباس داماد و اکنون، کت وشلوار داماد است که پوشاندن آن به تن داماد به عهده یکی از نزدیکان داماد است که با اشعار سنتی این کار انجام می شود. وقتی لباس داماد در وسط مجلس گذاشته شد، یکی از رفیقان و نزدیکان داماد پس از نشان دادن لباس به مردم و کف زدن مردم(قوده) لباس را به تن داماد می کند. در پایان دست قوده را حنا می کنند و روی دست آن ها دستمال سوزن دوزی شده می گذارند. وقتی حنابندان قوده تمام شد، حلوا سرخ می آورند، در پایان روی سینی حلوا و حنا، قوده به مقدار توان پول می اندازند. این پول به خدمت کارانی تعلق می گیرد که مراسم عروسی را بر پا می کنند. گاهی هم بین فامیل نزدیک عروس قسمت می شود. در برخی مناطق کسی که مسئول جمع آوری هدایا است با کاسه‌ای نقل و شکلات وارد می‌شود. مهمان‌ها هر کدام مقداری از محتویات کاسه را بر می‌دارند و بعد هر کدام هدایای نقدی خود را که به گویش محلی (توی پولی) گفته می شود در ظرف می اندازند. نوازندگان محلّی پس از خوردن شام در خانهٔ عروس و پس از عروسی در خانه ی داماد، با دمبوره و دی دو خوانی، محفل پایکوبی و شادی را گرم می کنند و این کار تا نیمه های شب ادامه می یابد.

## دی دو خوانی و دمبوره نوازی

در هنگام عروسی غزل خوانان و دمبوره نوازان دور از چشم شریعت پناهان محلی دوبیتی می خوانند و دَمبورَه می نوازند. هزاره ها در روزهای شادی و خوشی مانند: عروسی، دمبوره ها را از پشت کندوها که پنهان کرده اند بیرون می آورند و آنانی که صدای خوش دارند با دوبیتی های عاشقانه مجلس را پر از شادی و خوشی می سازند. آن هایی که لحن خوش دارند آهنگ های هزارگی را به «رَفت» ها (کمپوز های) گوناگون که نمایندگی از مناطق مختلف هزارستان می کند، اجرا می کنند. این رفت ها شامل رَفت شیخ علی، تگوبرگک، مالستانی، بامیانی، جاغورگی و... می شوند. نیکوترین بخش شادی های عروسی دی دو خوانی دو زن یا دختر یا پسر جوان و نوجوان هزارگی است که رو به روی هم می نشینند و به نوبت یکی در جواب دیگری دوبیتی ها را صدای خوش می خوانند. (عباس دلجو)

## جهاز بردن

در روز عروسی عده ای که به آنان (قوده) می گویند، جهاز را با عروس به خانه ی داماد می برند. در گذشته برای جهاز بردن چند نفر از نزدیکان داماد به همراه چند قاطر یا الاغ وسایل جهیزیه عروس را به خانه داماد می بردند. افزون بر جهاز بران، عده‌ای غزل گوی (ترانه خوانان و دنبوره نوازان) نیز به خانه ی پدر داماد می رفتند. وسایل جهیزیه طبق توافقی که قبلا بین خانواده‌های عروس و داماد صورت گرفته بود تهیه می‌شود. به عنوان مثال گاهی عبارت اند از: وسایل خانه، قالی، ظروف، دیگ ها، و ابزار آهنی و برنجی و زیورالات، دیگچه، قابلمه، ملاقه، آبکش، مجمع‌های مسی، آفتابه لگن و اسباب دیگری هم چون رختخواب، متکا، پشتی، پرده، سماور، و افزون بر همه ی این ها، آینه و قرآن جزو اصلی مهم‌ترین وسایل جهیزیه به شمار می‌رود.

## خینه کردن دست عروس(حنابندان)

در این مراسم معمولا عروس خانم یک لباس قرمز به تن می کند که قدما معتقدند سرخی این لباس نشانه محبت و عشق است. البته اکنون به رنگ اهمیت نمی دهند. حنابندان معمولاً شب قبل از عروسی انجام میشود. دختران جوان محل، دست و پای عروس را در منزل وی خینه می کنند یا حنا میبندند و با پارچه حریر سبز رنگ میبندد. در این میان دو تن از دوستان صمیمی عروس که هنوز

مجرد هستند در سمت چپ و راست عروس می ایستند تا داماد وارد شود. وقتی داماد به نزد عروس می آید، دختران با شادی کف می زنند و برای داماد عروس را تبریک می گویند. در برخی مناطق یکی از خانم های خانواده ی داماد؛ معمولا خواهرش، نزد عروس می آید و دست راست عروس خانم را بالا- می برد و کمی حنا به دست راست او میمالد. سپس اسکناسی روی آن می گذارد این کار را نشانه رزق و روزی می دانند. سپس عروس یا دختران حنای تزیین شده را به تمام خانم ها تعارف می کنند و خانم ها انگشتان خود را با آن رنگین می کنند. در همان ساعت؛ پسران جوان خانواده دست داماد را حنا میبندند. هنگام حنابندان موسیقی محلی و رقص ملی و قومی اجرا میشود. در پایان در برخی مناطق حلوا با نان محلی به شرکت کنندگان میدهند.

امروزه مراسم حنابندان به این صورت است که یک برگ سبز درخت بید و یا یک اسکناس افغانی را در دستهای عروس و داماد می گذارند و روی آن حنا میبندند. هنگام حنابندان این شعر خوانده میشود": بیری دستای خوره خینه کده، طوق طلا بسته کده، عروس مو شاپری یه، بیری مو گل وری یه، داماد مو شا داماده، ام شو شوی براته: خدا مبارک کنه، علی شای مردو مبارک کنه "در برخی مناطق مراسم حنابندان داماد هم همزمان با مراسم حنابندان عروس در خانه پدر داماد برگزار می شود.

عروسی معمولا دو شبانه روز طول می کشد. روز اول پدر داماد و اقوام و فامیل به خانه ی پدر عروس دعوت می شود. در شب آن تختی خینه(حنابندان) بر گذار می گردد. در این مراسم داماد بر تختی کنار مجلس می نشیند و در دو طرف دست راست او وزیر دست راست و در طرف دست چپ او وزیر دست چپ او می نشیند. به وزیر دست راست شابال، شاه بالا هم می گویند. شابال و وزیر دست چپ از رفیقان نزدیک داماد انتخاب می شود. هر یک از دو وزیر پول روی دستمال داماد می اندازد. هرکه بیشتر انداخت دستمال از آن او می شود.

## آرایش عروس

عروس «چتر زلف» دارند. برای آرایش عروس این چتر زلف را درست می کنند. پیچه های او را می بندند و زلف جلوی صورت را پیچ می دهند و با پنگ(سوزن مو) به هم پیوند می دهند. موهای پشت سر را بیشتر اتیکی(بافته) می بافند. موهای عروس نباید افشان باشد، فقط می تواند پیچ در پیچ و تاب داشته باشد. عروس بیشتر نیازمندی های روزانه عروسی خود را محدود و آسان در نظر می گیرد و به وسیله خود مرتفع می سازد.

## بردن عروس

برای بردن عروس نخست آخند محل باید محل ستاره را نشان بدهد. روز خوب، روز نیکو، قرار نداشتن ستاره رو به روی دروازه از شرایط برون کردن عروس از خانه است. هنگام مراسم عروسی در خانه پدر عروس و آماده شدن عروس برای رفتن به خانه ی بخت، قوده چند ساعتی را به زدن دمبوره- ساز و رقص و شادمانی سپری می‌کنند. دختران و رفیقان عروس سر و صورت عروس را آرایش می کنند. او را عروس می سازند و شاهزاده اش می سازند. لباس های داماد را از خانه ی عروس و لباس های عروس را از خانه ی داماد با ساز و دهل و دایره می آورند و به آن دو می پوشانند. هنگامی که می‌خواهند عروس را به خانه داماد ببرند، پدر یا برادر عروس موظف می شود که کمر عروس را ببندد. پدر یا برادر بزرگ مقدار پولی را داخل دستمالی می گذارد، آن را تا می کند و به کمر عروس را می بندد. زنان پس از بسته شدن کمر عروس با گریه عروس را روانه خانه داماد می‌کنند. پدر عروس پیشانی او را می بوسد و او را از زیر قرآن رد می کند و راهی خانه بخت می کند. عروس نخست دیگدان خانه ی پدری اش را زیارت می کند، پس از آن دیگدان عمواش را. روی دیگدان هم پولی به عنوان هدیه می گذارد. آنگاه چند نفر از خانه داماد با

اسب یا ماشین برای بردن عروس می‌آیند. وقتی عروس می خواهد از در خارج شود، یکی از خانواده ی عروس در را با دست می بند و طلب هدیه می کند که به وی در گه گیر می گویند. پدر داماد هم مقدار پولی به وی می دهد و عروس را از در خارج می کند. عروس را سوار بر اسب یا ماشین می کنند. در جلوی آن ها دختران پو فی زن (پیش پو) اهالی طرب و پشت سر آن ها خانواده ی نزدیک داماد و عروس و سپس اسب یا ماشین عروس حرکت می‌کند. وقتی قافله عروس به خانه داماد رسید، اهالی محل و دعوت شدگان محلی باید به پیشواز عروس بروند و شیرینی و پول و سکه به طرف وی پرتاب کنند.

وقتی که عروس می‌خواهد پایش را در آستانه در خانه داماد بگذارد. چارمغز- گردویی را زیر پایش قرار می‌دهند تا به این ترتیب هرگونه طلسمی که برای عروس شده باشد از بین برود. در هنگام ورود، عروس زیر لب می‌گوید یا الله و داماد و دیگران می گویند الحمدالله و لاحوله ولا، به این نیت که عزیز شوهرش بشود. در این موقع داماد باید پابه پای عروس وارد خانه شود و در مراسم چادر گلاندن و پیشوازی عروس شرکت کند. در موقع ورود عروس و داماد به خانه و اتاق عروس، داماد یا یکی از زنان خوش بخت فامیل کفش‌های عروس را در می آورد و پولی که در کفش عروس گذاشته شده است را بر دارد. وقتی عروس را به منزل داماد می آوردند(در قدیم که عروس را با اسب می آوردند) عروس تا هدیه ای نمی گرفت از اسب پیاده نمی شد و یا وارد خانه نمی شد. امروزه که آوردن عروس با اتومبیل انجام می شود، در این شرایط نیز عروس تا هدیه نگیرد از اتومبیل پیاده نمی شود و یا وارد خانه نمی شود. در این حال عروس دستش را در چارچوب در بند می کند و می گوید تا هدیه ای و قولی دریافت نکند و نگیرد وارد خانه نمی شود. داماد در این صورت هدیه ای را قبول می کند یا قول می دهد که او را به آرزویش برساند و خوش بخت کند. هدایا ممکن است پول، ماشین، مسافرت، قول دعوا نکردن و یا قطعه ای زمین باشد. در گذشته عروس از شوهر وپدر شوهر تحفه ای مثل اسپ سواری، گاو شیری، باغ میوه دار و یا زمینی حاصلخیز می خواست.

پس از این که عروس به خانه داماد وارد شد، زن‌های فامیل می‌آیند و شروع به شادمانی می‌کنند. آنان بر سر عروس و داماد نقل و پول می‌ریزند. می‌گویند که هر گاه از این نقل دختر دم بختی بخورد به زودی بختش باز می‌شود.

وقتی عروس وارد خانه شد، آفتابه لگن می آورد و داماد پای عروس را می شورد. آب پای عروس را در چارگوش خانه می ریزاند.

## بیری برکیدو(فرستادن عروس به خانه ی بخت)

در گذشته هنگام عروس بردن، یکی از زنان فامیل داماد وسیله ای را از خانواده ی عروس که به آن «عقل عروس» می گفتند برمی داشت و در خانه ی داماد آن را به عروس می داد. پدر داماد نیز شاخه ای سبزی را با خود از درختان خانه ی پدر عروس بر داشت و با خود به خانه می برد. این آیین در برخی مناطق هنوز رواج دارد.

عروس را بر اسبی سوار می کردند و افسار اسب را ماما- دایی یا پسر عمو یا برادر عروس می کشید و تا خانه ی داماد او را همراهی می کردند. در صورت که عروس روی اسپ باشد، داماد مواظب اوست و شانه اش را با دست می گیرد که از اسپ نیفتد. چند زن نیز با عروس به خانه ی داماد می رفتند که به آنان قودغو می گفتند. و یک الی دو شب آنجا می ماندند. اکنون این رسم به یک روز کاهش یافته است. فقط مادر عروس چند روز پیش عروس می ماند. عده ای از پسران خانواده ی عروس نیز او را همراهی می کردند که آن ها را لنگی خور می گفتند. لنگی خورها و قودخوها هدیه ای مانند: لباس و چادر از طرف خانواده ی داماد دریافت می کردند. این آیین در برخی مناطق هنوز رواج دارد.

عروس را با ساز و دهل به خانه ی داماد می برند. جلو خانه ی داماد عروس را گل باران و شرینی باران و در برخی مناطق سکه و پول باران می کنند. مادر یا پدر یا برادر داماد، گوسفند یا گاوی را جلوی پای عروس ذبح می کنند. خانواده داماد به افرادی که به داماد هدایایی داده اند یا ماشین خود را آورده اند دستمال و مقداری شیرینی می دهد.

## در مسیر عروس

در مسیر حرکت عروس و داماد از خانهٔ عروس تا خانهٔ داماد که در گذشته با اسپ بود و اکنون با ماشین است اتفاق های جالب می افتاد که بسیار زیبا اند. وقتی عروس به روستایی می رسد، زنان و دختران ده در مسیر او قرار می گیرند و صورت عروس را می بینند و بر زیبایی و حسن انتخاب داماد و خانواده او آفرین می گویند. کودکان در راه کاروان آتش می افروزند و از داماد هدیه دریافت می کنند. برخی از کودکان با ریسمان راه بر عروس و داماد می بندند تا هدیه نگیرند، راه را باز نمی کنند. مردان و جوانان تیر هوایی شلیک می کنند و شادی می کنند. زنان رقص محلی می کنند. آنان چرخک، لنگی می زنند، دختران نورس پوفی(پیش پو) می زنند. دختران جوان آواز می خوانند. یکی از ترانه های زیبایی دختران چنین شروع می شود: پول خو دادوم، مال خو دادوم، هیچ بلای مه غم نشد، دانه شخل مه کم نشد. نوازندگان دنبوره دنبوره می نوازند و اشعاری را با صدای بلند می خوانند. برخی مناطق نوار ایکی میرزا، صفدر توکلی، بچه گل آغی، سید لشمک و... می گذارند. صدای شادی و خوشی مسیر رفت عروس به خانه ی بخت را پر می کند.

در شب پس از عروسی؛ در برخی مناطق سه روز پس از عروسی، عروس را با سرمه و لوازم آرایش مختلف آرایش می کنند، به او لباس عروسی محلی می پوشانند و برای رفتن به حجله آماده می کنند. داماد نیمه شب بدون سر و صدا به اتاق عروس می رود. در این مراسم یکی از دختران او را همراهی می کند. دختر دست عروس را به دست داماد می دهد و پس از دریافت هدیه حجله را ترک می کند.

## قرقه – نشانه زنی یا گیرگ

قرقه زنی با تفنگ از گذشته های دور بین هزاره ها هواخواهانی زیادی داشته است. این بازی پرهیجان به مناسبت های گوناگونی مانند: عروسی و شادی های قومی و ملی بازی می شود. در عروسی ها دو طرف و یا فقط طرف داماد یعنی دامادخیل و عروس خیل در دوگروه نشانه زنی می کنند و در شادی داماد شریک می شوند. در این بازی دو گروه از بازیگران پس از دریافت طویانه ی بازی در جای بلندی می روند و شروع به نشانه زنی با تفنگ مَلَخَی، بَرنَو، هفت تیر، نیکلی، یازده تیر سرپوش، لوچک پتره وال، مُچکی، کلاش و... می کنند. قرقه چی ها در محل نشانه جای تیر را نشان می دهند و نشانه زن ها به نوبت روی شخه دراز می کشند و تیر می اندازند. این بازی پس از چند دور پایان می یابد و برنده ی بازی طویانه ی بازی را از آن خود می کند.

## مسابقه ی اسپ دوانی

تماچیان در جای بلند گرد می آیند و میدان بازی را تماشا می کنند. این میدان بسیار کشیده و فراخ است. در گوشه ی میدان دو دسته از سوارکاران ماهر هزارگی به صورت یرغه و چارپورته به مسابقه می آیند.برخی از اسب سواران، با اسب های شان حرکات نمایشی انجام می دهند. برخی دیگر از اسپ تزئینات اضافی بر می دارند. اسپ ها را با زین و تنگ و قیزه و رکاب آماده ی مسابقه می کنند. سوارکاران هزاره با اسپ های تیز تک و چالاک شان در یک خط به ردیف می استند و با تکان دادن دستمال و شلیک هوایی مسابقه را شروع می کنند. با شروع مسابقه سوارکاران با سرعت تمام رکاب زنان و شلاق کوبان بر باسن اسپ های شان، چون باد و طوفان به آخر میدان می تازند. اسپ های تک تاز با سرعت بی مانند فاصله شان را با سایر اسپ ها زیاد می سازند و در فرجام یکی پس از گذر از دیگری به خط پایان نزدیک می شوند و یکی در فرجام خط پایان مسابقه را در می گذرد و برنده ی

میـدان می شود. دیگران هم به ترتیب رتبه ی دوم و سوم را از آن خود می کنند. جایزه ی برندگان در مراسم شادیانه ی عروسـی به فراخور بضاعت مالی پدر داماد تفاوت دارد ولی همه شادمان بر می گردند.

## نیزه زنی و بزکشی

در این بازی سوار کار از گوشه ای میـدان به تاخت به سوی میخ یا آیینه ی که مانند نشانه جا گذاشـته شده است، اسپ می دواند و بـا نزدیـک شـدن به نشـانه بـا نوك نیزه میـخ را بر می دارد و آیینه را می شـکند. مردم بـا دیـدن آن شادی می کننـد و بر سوار کار شادبـاش می گوینـد. این بـازی را می توان تنهـایی بـازی کرد. البته در صورت مسـابقه ی دو نفری بین دو سوار کـار، برنـده کسـی خواهد که خوب از عهده ی بازی بر آید.

مسابقه ی بزکشی در مراسم های عروسی مانند بزکشی معمول در افغانستان برگذار می شود که بسیار پرهیجان و دیده نی است.

## بیری مبارک کیدو(تبریکی عروسی)

کسـانی که در روز عروسـی نبودنـد یـا مسافر بودنـد، از فردای عروسـی به خانه ی داماد برای تبریک گفتن می آینـد. مردان با خود شیرینی می آورنـد و زنان پتیر روغنی و مقدار روغن محلی(روغون دوغتو). مهمانان به گرمی از طرف خانواده ی داماد اسـتقبال می شونـد. مهمانان با لبخنـد که نشان از خوشـحالی آنان است می گوینـد: آدم نو مبارک، خـدا قـدم شـیره نیک کنه) خانواده داماد در جواب می گویند(تشکر! خدا شمو ره ام برسین نه) در پایان از مهمانان با آب گوشت پذیرایی می شود.

## مهمانی

پدر داماد پس از چند روز از عروسـی یکی از فامیل یا برادر داماد را به خانه پدر عروس می فرسـتد و پدر عروس را به خانه ی خود دعوت می کنـد و این گونه به وی ارج می گـذارد. پـدر عروس نیز با گرفتن هدیه با جمعی از نزدیکانش به مهمانی به خانه ی پدر داماد می رود. در پایان مهمانی پـدر داماد به پـدر عروس شال، چپن و یا کمبل(پتو) می دهد. به دیگر مهمانان هم به رسم هر منطقه لنگی، چادر و پیرهن دوخته نشده داده می شود.

## پای وازی(پای کشا)

پس از چنـد روز چند ماه و گاهی چند سال عروس از داماد و پدر داماد می خواهد که او را به رسم پای وازی به خانه ی پدری اش ببـرد. این درخواست ممکن است از طرف خـانواده عروس بشود. وقتی این دعوتی پزیرفته شـد، در روز معین خـانواده هـای نزدیک داماد مانند روز عروسـی، عروس خانم را دوباره عروس می کنند و در میان شادی و هلهله ی بسیار به خانه ی پدری به عنوان مهمان می برند. عروس با خود شیرینی و هدیه های بسیاری مانند: لباس، چادر و پول برای خانواده پدری اش بر می دارد. مهمانان پایوازی از طرف خانواده ی عروس به گرمی اسـتقبال می شونـد و از آنان با آب گوشت پذیرایی می شوند. در پایان روز همه به جز عروس به خانه های شان بر می گردنـد. عروس مـدتی به رسم مهمان در خانه ی پـدر می مانـد و در زمان برگشت توسط خانواده پـدری با احترام و کبکبه ی بسیار به خانه اش رسانده می شود.

## ازداوج در ضرب‌المثل و سخن حکیمانه ی مردم هزاره

۱- زن و شوی اگه یکدیگی خو بخوایه ده بیابو هم زندگی مونه

۲- زن یا تو ره بیو مونه یا فقیر؛ اگه زن نگری امیشه فقیر مومه نی

۳- موقع رخت خریدو گوشه رخت ره توغ کو؛ موقع زن گرفتو خانوادی شی ره

۴- بخشی زن گرفتو می ارزه که چند کلوش پاره کنی

۵- شراب ره از انگور و دختر ره از گل کینه ی خوب انتخاب کو

۶- زن گرفتو زود شی بده و دیر شی بد تر

۷- زن مثل کتابه، اونجایی که توره ذله مونه نخوان

۸- ده زن و شوهری بی تره که زن لال باشه و مرد کر

۹- خانه بی زن گورستویه

۱۰- ایچ زن به خاطر خدا شوی نمونه

۱۱- زن که خوب باشه خانه ام خوبه

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

